

سیپهرغرب، گـروه فرهنگی –

طاهره ترابی مهوش: نویسنده دفاع مقدس بابیان اینکه ما بازماندگان از شهادت فکر می‌کردیم جهاد مرحله‌ای و پلکانی است، گفت: ما در جهاد اصغر خوب بودیم اما در جهاد اکبر خراب کردیم حال آنکه شهیدا در ابتدا بر نفس خود غلبه کرده

سپس جهاد اکبر کردند و درنهایت

با شهادت در جبهه جنگ علیه باطل

مزد جهادشان را گرفتند.

حمید داوود آبادی، سسند زنده هشت سال دفاع مقدس و بیانگر یخش عظیمی از تاریخ شفاف‌ی جنگ است. او همچنان و در فاصله ۲۹ سال از پایان دفاع مقدس در همه جبهه‌های فرهنگی و با تمام ابزارها و تجهیزات رسانه‌ای و مکتوب، خاطرات، نوشته‌ها، دل‌تنگی‌ها، انتقادها و ناگفته‌های خود را به مخاطب انتقال می‌دهد.

داوود آبادی در ۲۵ مهر سال ۱۳۴۴ در تهران متولد شد. وی رزمده، جانباز، عکاس، خبرنگار، محقق و نویسنده دفاع مقدس است همچنین مسئول صفحه «از معراج برگشتگان» نشریه «فرهنگ آفرینش» و سردبیر مجله تخصصی اسناد «بازنده خرداد» و سردبیر مجله دفاع مقدس «فکه» نیز هست.

لذا با توجه نگرش جدیدی این رزمنده در حوزه دفاع مقدس بر آن شدیم تا گفتگویی اختصاصی با وی ترتیب دهیم که در ادامه می‌آید:

حمید داودآبادی با اشاره به عکس‌هایی که به‌صورت تطبیقی از فضاهای جنگ و شهدا کار می‌کند، گفت:اگر این کار را انجام دهم خودمان دچار فراموشی خواهیم شد و در آینده، دفاع مقدس و شهیدا به افسانه تبدیل خواهند شد بنابراین دیگر نمی‌توان انتظار داشت که این فرهنگ به نسل جوان منتقل شود.

وی بابیان این‌که باید این فضا برای جوان امروز به‌طور ملموس و قابل‌فهم ترسیم شود، عنوان کرد: یکی از عکس‌های بنده که در منطقه دو کوه با دو تن از شهدا دارم از تلخ‌ترین عکس‌های زندگی‌ام و متعلق به عملیات بدر دی‌ماه سال ۶۰ در منطقه دوکوه گردان میثم است.

ایمن نویسنده دفاع مقدس افزود: ازآنجایی‌که در آن‌ها سال‌ها عکس گرفتن درواقع عشق من بود همیشه دوربین کوچکم همراهم بود به‌طوری‌که حتی در موقعیت عملیات نیز به‌جای وسایل ضد

شیمیایی و آمپول آتروپین آن راه حمل می‌کردم بنابراین آن روز هم دوربینم همراهم بود و عباس دائم الحضور، حسین رجبی، سعید توقانی و مجید عتیقی نجات همراهم بودند و ازآنجایی‌که دلم می‌خواست محبتم را ابراز کنم دستانم را بر دوش آن چهار نفر انداختم و اوج لذتم را بردم چراکه ۴ عشق در آغوشم بودند.

وی با اشاره به اینکه امیدوارم شهدا مددسرانمان باشند، اظهار کرد: عکس تطبیقی آن صحنه را سال‌ها بعدازآن واقعه گرفتم که بگویم من رفیق نیمه‌راه نبودم چراکه بنده بارها ترکش‌خورده و حتی شیمیایی شدم اما درواقع آن‌ها رفیق نیمه‌راه بودند و مرا تنها گذاشتند بنابراین در آخرت باید دستی از من رفیقشان بگیرند چراکه مرا با باری از بغض و غم در برهوت دنیا رها کردند و درواقع لذت خود را بردند و ذلت ما را پسندیدند.

داوود آبادی افزود: هنگامی‌که بسیار غرق دنیا می‌شوم به آن عکس نگاه می‌کنم، اگر دقت کرده باشید هرچند وقت یکبار هم ایمن عکس را در اینستاگرام می‌گذارم که گذشته‌ام را یاد نبرم و به حال حاضر مغرور نشوم. وی خاطرنشان کرد: نخستین مخاطب نوشته‌هایم خودم هستم بنابراین اصل و اساس صفحه ایسنتاگرام تلگوری به خویش است.

این نویسنده دفاع مقدس ادامه داد:

بنابراین اگر نکته انتقادی در نوشته‌های من مشاهده می‌شود مخاطب آن خودم هستم و درواقع ابتدا خود را به صلابه می‌کشم و بعد دیگری را مخاطب قرار می‌دهم تا از یاد نبرم از کجا آمده‌ام و چه صحنه‌هایی را تجربه کرده‌ام.

وی افزود: یک روز یکی از دوستان به من گفت تا کسی می‌خواهی در دهه ۶۰ بمانی! در پاسخ گفتم دهه ۶۰ عشق، احساس و ایثار است حالا تو بگو در دهه ۹۰ چه چیزی وجود دارد؟

داوود آبادی ادامه داد: میدانید دهه ۹۰ چه چیزی دارد؟ در این دهه اختلاس ۴۵ هزار میلیارد تومانی برخی بچه‌های

شاه عکس داشت، عنوان کرد: شب قبل از شهادت که ۱۴ سال بیشتر نداشت می‌خواست تمام آن عکس‌ها را بسوزاند اما من گفتم ایمن کار را نکن گفت این عکس‌ها مزخرف است باین‌حال دو عکس با امام (ره) داشت و تنها آن‌ها را عشق می‌دانست.

وی خاطرنشان کرد: باین‌وجود هیچ‌کس سعید را در جبهه نمی‌شناخت و اگر کسی هم او را می‌شناخت سریع انکار می‌کرد و می‌گفت من هم مثل شما هستم و این شهید ابتدا جهاد اکبر کرد و از نفس و خواسته‌هایش گذشت و در جهاد اصغر (جبهه) مزدش را گرفت و شهید کرد.

داوود آبادی ادامه داد: اما ما ابتدا جهاد اصغر کردیم و بعد آن طلبکار هم شدیم لذا انجام هر کار و دریافت مزیت را بنا بر اینکه در جبهه حضور داشتیم حق خود قلمداد کردیم و درنهایت این دنیای خود را پرپار کردیم حال‌آنکه در آن دنیا حسابان خالی است چراکه اجر جهاد اصغرمان در همین دنیا تسویه شد یعنی شیر مردان جهاد اصغر یادشان رفت که در قرآن آمده هر کس که تقوای بیشتری دارد به من نزدیک‌تر است به این معنی که تقوا مختص جهاد اکبر است.

وی بابیان اینکه در حال حاضر همه ما در صف جهاد اکبر قرار داریم، اذعان کرد: در این مسیر هرکه باتقوات باشد موفق تر است و نمی‌توان گفت چون داوود آبادی سال‌ها در جبهه بود باتقوا است چراکه من نوعی نتوانستم‌ام با حضور در جبهه به تقوا و پرهیزکاریم بیفزایم بلکه این جبهه برای من به آفتی تبدیل‌شده چراکه مرا مغرور کرده و فریب می‌دهد.

این نویسنده دفاع مقدس با اشاره به خاطره‌ای از شهید همدانی، عنوان کرد: شهید بزرگوار را آخرین بار دو سال پیش در مراسمی ملاقات کردم که قرار بود از من و چند تن از فعالان عرصه شهدا تقدیر کنند بنده به‌رسم ادب لوح تقدیر خود را به همسرم تقدیم کردم و شهید همدانی که قبل از من موردتقدیر قرارگرفته بود از بنده گلایه کرد و با لبخند گفت چرا با بنده هماهنگ نکردی که من لوح تقدیر خودم را به همسرم تقدیم کنم.

وی ادامه داد: البته ذکر این نکته ضروری که بنده تاکنون با ۸۵ نفر عکس دونفری گرفتم و همگی شهید شدند لذا در این مراسم نیز با شهید عکس گرفتم که چند ماه بعد از ایشان نیز به درجه شهادت رسیدند.

موضوع تردد صدها هزار اربعین در دو موعد رفت‌وبرگشت از شهر همدان به همان میزان که می‌تواند برای شهر ما فرصت‌آفرین باشد تهدید را هم هست. فرصت ساز از آن روی که با توسعه روزافزون ایمن عبور و اقامت‌های کوتاه‌مدت در میانه آن هم می‌توان به رونق توریسم عاشورایی امیدوار بود و هم از هستم و این شهید ابتدا جهاد اکبر کرد افراد استفاده کرد به همین موازات هم باید نگران بود که به دلیل عدم دقت در بایستگی و شایستگی‌های موردنیاز برای این میزبانی ممکن است تبعات و بازخوردهای منفی را هم برای ما به وجود آورد.

بر اساس تجربه، عمده پویشگران اربعین شهر همدان را بیشتر یک معبر یا توقف‌گاه ساعتی می‌دانند تا اطراگاهی بلندمدت باین‌حال شکی نیست که در همین زمان توقف‌های کوتاه نیز باید شهر آمادگی‌های لازم را برای تأمین نیازهای این دست افراد داشته باشد از خوردوخوراک گرفته تا بهداشت و درمان و وسایل حمل‌ونقل عمومی و...

هرچند باهمت والای مردم و خیران همدانی از ابتدای شروع این حرکت موضوع اطعام و اسکان زائران تقریباً حل‌وفصل شده و با استفاده از تجمیع ثنورات و نیز استفاده از فضای حسینیه‌ها و مساجد دغدغه چندان‌ی در این محبت احساس نمی‌شود باین‌حال اما وجود یک مشکل کوچک مدت‌هاست که باعث شده بسیاری از ایستگاه‌های صلواتی در خصوص پاسخگویی و ارائه خدمات هرجه بهتر به مهمانان خود دست‌به‌گریبان باشند.

موضوع فقدان سرویس‌های بهداشتی مناسب (و البته به‌موازات آن نبود حمام در شهر همدان) ازجمله این مشکلات به‌ظاهر کوچک اما در باطن حساس محسوب می‌شود که به‌رغم توسعه زیرساخت‌های اسکان و اطعام اما هنوز نظام مدیریتی اربعین استان نتوانسته برای آن راهکار مناسب و درست بیابد.

هرچند مدیریت ستاد اربعین همدان و نیز ادارات و نهادهای مرتبط با این پویش بارها در جلسات خود به تبعات ضدتبلیتی، فرهنگی و زیستی این موضوع اذعان کرده و آن را در سر لیست الزامات پذیرایی از مهمان اربعین قرار داده‌اند اما همیشه نیز با یک چرخش تاکتیکی به‌ظاهر موجه تسو‌ب را به زمین بر پا کنندگان موکب‌ها انداخته و به‌راحتی از زیر بار این مسئولیت شانه خاله می‌کنند.

هرچند ممکن است در نگاه نخست این

روایت مشکلات تکراری اربعین

عباس س‌ریشی

موضوع درست به نظر آمده و هر کس که ایستگاهی را به راه می‌اندازد موظف به‌پیش بینی و تأمین این مورد باشد باین‌حال، اهل منطق و معنا بر ایمن موضوع هم اذعان دارند که حتی اگر همه موکب نیز با تمام ظرفیت‌ها و تلاش‌های خود بخواهند ایمن موضوع را هم حل‌وفصل کنند بازهم نخواهند توانست پاسخگوی نیاز هزاران مسافری باشند که طی چند روز به‌صورت فشرده وارد شهر می‌شوند ضمن اینکه ساخت و توسعه این زیرساخت‌های خدماتی واقع در مساجد و حسینیه‌ها هم خود نیازمند مؤلفه‌های دیگری است که وجود مکان ساخت و اعتبار و هزینه از یکسو و رف‌ع گرفتاری حاصل از اصطکاک با سازمان‌ها و نهادهایی مانند شهرداری، اداره راه و... نیز در مسیر آن قرار دارد.

حقیقت اینجاست که طی چند سال گذشته در موعد رفت به‌صورت نامحسوس و در مسیر بازگشت به‌صورت کاملاً آشکار شهر همدان با معضلی بنام کمبود سرویس بهداشتی مواجه بوده و با اینکه مدیران فرصت داشتند با ساخت و توسعه این مورد خاص در داخل شهر از یکسو و نیز ساخت سرویس‌های بهداشتی سیار برای بیرون شهر در سوی دیگر مشکل را برای همیشه رفع کنند اما چرا تاکنون فقط به‌عنوان مشکل اکثفا کرده و اقدام خاصی را جز نامه‌نگاری و ابراز ناراحتی در دستور کار قرار نداده‌اند جای سؤال دارد.

در واقع این انتظار بسیار غلط و نابجای است که نظام مدیریتی شهر ما به بهانه حفظ اصالت یک پویشی مردمی بخواهد که مردم متولی ساخت زیرساخت‌ها باشند و یا با هزینه‌های خود تأسیساتی را بسازند و در معرض استفاده قرار دهند که در اصل وظیفه ساخت و راه‌اندازی آن به‌طور قانونی بر عهده دولتی‌هاست.

مردم ما به دلیل ارادت قلبی به زائران طی چند سال گذشته حتی در برخی موکب‌ها اقدام به ساخت این تأسیسات نموده‌اند اما باین‌حال سؤال اینجاست که آیا این اقدامات محدود نیز دلیل موجه و محکم‌ه‌پسندی برای عبور مسئولان از کنار وظایف ذاتی خودشان هست یا نه؟ و اینکه آیا شهر ما فقط در اربعین نیازمند این پیش‌بینی‌ها است و زمان‌ها و مراسم‌های دیگر ما با چنین مشکلاتی روبه‌رو نمی‌شویم؟

برای درک بهتر این موضوع شاید داستان

برپایی نماز عید فطر در مصالی نیم ساخته

همدان نمونه خوبی باشد زیرا در این مکان و

دقیقا درزمانی که جمعیتی بالغ‌بر هزاران نفر از

